

واژگان پیش‌دانشگاهی

درس ۱

bend	خم کردن
compare	مقایسه کردن
confidence	اعتماد
cue	سرنخ ، الگو ، مثال
define	توضیح دادن
definition	توضیح ، تعریف
distract	پرت کردن حواس
disturb	مزاحم شدن
efficiently	با کارآیی ، با لیاقت
flexible	انعطاف پذیر
fuel	سوخت
lung	ریه ، شش
nutrient	ماده‌ی غذایی
proportion	نسبت
protect	مفاظت کردن
quality	کیفیت
regularly	به‌طور منظم ، اغلب
release	آزاد کردن
rely	وابسته بودن
statement	گزارش ، بیان
stretch	دراز کردن ، کشیدن
vessel	رگ
victory	پیروزی

درس ۲

anxious	نگران
attribute	نسبت دادن
aware	آگاه ، مطلع

background	پیش‌زمینه ، سابقه ، وضعیت
calssify	طبقه‌بندی کردن
communicate	ارتباط برقرار کردن
compose	نوشتن ، تشکیل دادن
contact	ارتباط ، تماس
content	مشویات
continuously	پیوسته ، بلاانقطاع
convey	بیان کردن ، رساندن
embarrassment	شرم ، دستپاچگی
emphasize	تاکید کردن
explicit	واضح ، روشن
expression	حالت چهره
firmly	به‌طور مطلق ، به‌طور قاطع
generalize	عمومی کردن ، تعمیم دادن
gesture	حرکت دست و سر
humor	طنز
implicit	تلویحی
involve	گرفتار کردن
nervousness	نگرانی
occasion	مناسبت ، زمان
promotion	ارتقاء

درس ۳

atmosphere	جو ، فضا
audience	شنوندگان ، حضار
climate	آب و هوا
concerned	نگران
condition	وضعیت ، موقعیت
environment	محیط
extinction	انقراض
global	جهانی

issue	مسئله ، موضوع
mainly	عمدتاً
particular	خاص
recognize	تشخیص دادن
recycle	بازیافت
region	منطقه
speculate	حدس زدن ، اندیشیدن
surrounding	اطراف ، محیط
temperature	دما
trap	مبس کردن ، گیر انداختن

درس ۴

agriculture	کشاورزی
assume	پنداشتن ، فرض کردن
core	هسته
crust	پوسته
earthquake	زمین لرزه
emergency	وضعیت اضطراری
estimate	تخمین زدن
float	غوطه‌ور ماندن
flood	سیل
forecast	پیش‌بینی
hypothesize	فرضیه دادن
instrument	وسیله
locate	تعیین محل کردن
layer	لایه
mantle	جبه
melt	ذوب شدن ، آب شدن
overpass	پل هوایی
pacific	آرام
procedure	دستورالعمل

provide	تهیه کردن ، فراهم کردن
rattle	تلق و تولوق کردن
reality	حقیقت
shake	لرزیدن ، تکان خوردن
smoothly	به آرامی ، به نرمی
survive	زنده ماندن

درس ۵

aid	کمک
connect	وصل کردن
develop	توسعه یافتن ، تولید کردن
domestic	خانگی ، اهلی
economical	مقرون به صرفه
exemplify	نمونه بودن ، مثال آوردن
extreme	عجیب ، شدید
hire	اجاره کردن ، استخدام کردن
income	درآمد
industrialize	صنعتی کردن
irrelevant	بی ربط
labor	کار
manufacture	تولید کردن
prevent	مانع شدن
rural	روستایی
urban	شهری
vacation	تعطیلی ، تعطیلات
willing	مشتاق ، علاقه مند

درس ۶

artificial	مصنوعی
beyond	فراتر
brief	مقتصر
brilliant	باهوش
density	تراکم

era	دوره
explicit	واضح ، روشن
feature	چهره ، جنبه ، ویژگی
launch	آغاز کردن ، فرستادن
leap	پرش
magnify	بزرگ کردن
mass	مجموعه ، جرم
mission	مأموریت ، وظیفه
vehicle	وسیله ی نقلیه

درس ۷

access	دسترسی
addictive	اعتیاد آور
advertising	تبلیغات
attach	وصل کردن ، الصاق کردن
charity	خیریه
communications	ارتباط
complex	پیچیده
concentrate	تمرکز کردن
contrast	تقابل
destination	مقصد
document	مدرک
frequently	اغلب
interchangeable	قابل جایگزینی
satellite	ماهواره ، قمر
transfer	عمل ، انتقال

درس ۸

achievement	موفقیت ، دستاورد
annoy	آزرده کردن ، ناراحت کردن
apprentice	شاگرد ، نوآموز ، تازه کار
community	اجتماع

devote	اقتضای داری
financial	مالی
genius	نبوغ
impression	اثر ، تأثیر
inspiration	الهام
merely	به سادگی ، فقط
official	کارمند ، صاحب منصب
perspiration	تعرق ، پشت کار ، زحمت
poverty	فقر
sign	علامت
slum	مملهی فقیرنشین
talented	با استعداد
voluntary	داوطلبانه